

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه چهارم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...)، می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیام‌هایی که بدون این فعالیت‌ها میسر نیست، و البته فراموش نمی‌کنیم که کلاس‌های داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم‌کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکان‌مان را هر چه زیباتر، رنگارنگ‌تر و غنی‌تر کنیم و با قدرت داستان‌نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آن‌ها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

تحلیل یک قصه بر اساس کوه داستان چهار مرحله‌ای ۳

در این درس، با شیوه‌ای متفاوت کوه داستان را با بچه‌ها مرور می‌کنیم. پیش‌تر ذکر شد که بحث کوه داستان کمی پیچیده است و درک کامل آن برای تمام دانش‌آموزان نیازمند تمرین و تکرار است.

همانند جلسات قبل، قصه‌ای برای بچه‌ها بخوانید و پس از آن سوال‌هایی از بچه‌ها درمورد آن بپرسید. می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری استفاده کنید. قصه‌ی زیر را نیز می‌توانید مورد استفاده قرار دهید:

«در کنار جنگلی سبز و پر درخت مزرعه‌ای زیبا بود، که داخل آن پر از مرغ و خروس بود. یک روز صبح روباهی گرسنه تصمیم گرفت که راهی پیدا کند و وارد آن مزرعه بشود و مرغ و خروسی شکار کند.

او آرام رفت تا به پشت زده‌های مزرعه رسید. مرغ‌ها با دیدن روباه از ترس فرار کردند و هر کدام به گوشه‌ای امن پناه بردند و خروس هم روی شاخه درختی پرید. روباه با مهربانی سلام کرد و گفت: صدای قشنگ شما را شنیدم. برای همین نزدیک تر آمدم تا بهتر بشنوم، حالا چرا بالای درخت رفتی؟ خروس گفت: از تو می‌ترسم و بالای درخت احساس امنیت می‌کنم. روباه گفت: تو مگر نشنیده‌ای که سلطان حیوانات، جناب شیر دستور دادند که از امروز به بعد هیچ حیوانی نباید به حیوان دیگر آسیب برساند. نترس. بیا باهم بازی کنیم. خروس کمی فکر کرد، گردنش را دراز کرد و به دور نگاه کرد.

روباه پرسید: به کجا نگاه می‌کنی؟ خروس گفت: از دور حیوانی به این سو می‌دود. و گوش‌های بزرگ و دم دراز دارد. نمی‌دانم سگ است یا گرگ؟ روباه گفت: با این نشانی‌ها که تو می‌دهی، چهره‌ی یک سگ بزرگ است که به این جا می‌آید و من باید هر چه زودتر از اینجا دور بشوم.

خروس گفت: مگر تو نگفتی که سلطان حیوانات دستور داده که حیوانات همدیگر را اذیت نکنند، پس چرا ناراحتی؟ روباه گفت: می‌ترسم که این سگ دستور را نشنیده باشد! و بعد از ترس شکار شدن پا به فرار گذاشت و بدین ترتیب خروس از دست روباه خلاص شد.»

سپس از بچه‌ها بخواهید درباره‌ی داستان گفت‌وگو کرده و به سوالات زیر پاسخ بدهند:

- چه شخصیت‌هایی در این قصه بودند؟
- هدف شخصیت‌ها در این قصه چه بود؟
- روباه از چه نقشه‌ای برای رسیدن به هدفش استفاده کرد؟
- خروس در برابر نقشه‌ی روباه چه کرد؟
- آیا روباه موفق شد؟ چه اتفاقی برای او افتاد؟

تمرین:

جملاتی از قصه‌های معروف را برای بچه‌ها بخوانید و از آن‌ها بخواهید حدس بزنند هر کدام مربوط به کدام مرحله از کوه داستان است؟ (بچه‌ها را برای رسیدن به پاسخ راهنمایی کنید.)

از دانش آموزان تان بخواهید نظرشان را با دلیل بگویند.

برای مثال:

- گرگ دست‌هایش را با آرد سفید کرد و به خانه‌ی بزغاله‌ها برگشت. (میانه)
- یک بز همراه با بزغاله‌هایش در کلبه‌ای زندگی می‌کرد. (شروع)
- پیرزن داخل کدو رفت و دخترش کدو را از بالای تپه قل داد. (در آستانه‌ی فرود)
- چوپان هرروز به دروغ داد می‌زد: آی گرگ. وقتی همه می‌آمدند به آن‌ها می‌خندید. (میانه)
- بعد از آن مامان مامان بزی و بزغاله‌ها در آرامش کنار هم زندگی کردند. (پایان)

کلاس چهارم - جلسه چهاردهم

شخصیت (قابلیت‌های هر شخصیت برای قصه)

در درس‌های آتی بار دیگر به سراغ مبحث شخصیت‌پردازی می‌رویم و ضمن مرور درس‌های پیش، به ابعاد مختلفی از شخصیت‌پردازی خواهیم پرداخت.

در این درس می‌خواهیم به این مساله بپردازیم که شخصیت‌های انتخابی ما قابلیت و ظرفیت به دوش کشیدن یک قصه را دارند؟ آیا برای مخاطب جذابند؟ آیا مخاطب دوست دارد قصه‌ی زندگی او را بفهمد؟

تصویر شخصیت‌های مختلف را به بچه‌ها نشان بدهید. (می‌توانند شخصیت‌های واقعی یا فانتزی باشند) از آن‌ها بخواهید برای شخصیت‌ها اسم انتخاب کنند. در موردشان گفت‌وگو کنند و آن‌ها را باهم مقایسه کنند.

سپس هریک از آن‌ها، یکی از شخصیت‌ها را انتخاب کرده و سوال‌های زیر را در موردش پاسخ بدهد:

- اسمش چیست؟
- کجا زندگی می‌کند و غذایش چیست؟
- چه چیزهایی را دوست دارد و از چه چیزهایی خوشش نمی‌آید؟
- بزرگ‌ترین ترس او چیست؟
- آرزوی او در زندگی چیست؟
- ویژگی منحصر به فرد او (ویژگی که بقیه ندارند) چیست؟
- نقطه‌ی ضعف او چیست؟

یک نوع نظرسنجی یا رای‌گیری برگزار کنید و از بچه‌ها بخواهید به شخصیتی (به جز شخصیت خودشان) رای بدهند. ملاک باید این باشد که کدام جذاب تر است؟

پس از این فعالیت، شخصیت برتر را انتخاب کرده و از کسانی که به آن رای دادند، بپرسید چه گزاره‌ی جذابی در او دیده بودند؟ هدف این است که بچه‌ها با مفهوم جذاب‌تر بودن شخصیت آشنا شوند. شخصیت جذاب‌تر می‌تواند مخاطب را به قصه جذب کند.

تمرین:

۱/ لیستی از خصوصیات شخصیت‌های مختلف و هم‌چنین لیستی از مشکلاتی که در یک داستان پیش می‌آید را بنویسید. از بچه‌ها بخواهید یکی از خصوصیات را به یکی از مشکل‌ها وصل کنند.

(به نظرشان کدام مشکل، اگر برای کدام شخصیت پیش بیاید جذاب‌تر است؟)

لیست خصوصیات شخصیت‌ها:

شجاع و دلیر - عصبانی و زودرنج - ترسو و نازک نارنجی - دست و پا چلفتی - حواس پرت - ماجراجو

لیست مشکلات:

مدادش شکسته است - در جنگل با خرس می جنگد - غذایش شور شده است - عروسکش را گم کرده است - با کسی دعوا کرده است - از ترس سوسک بالای چهارپایه ایستاده است

۲/ از بچه‌ها بخواهید یکی از شخصیت‌های بالا (خصوصیت + مشکل) را انتخاب کرده، برای شخصیت اسم انتخاب کنند و درموردش چند جمله بنویسند. چرا این مشکل برای او به وجود آمده است؟ از بچه‌ها بخواهید به سوالات فعالیت اولیه‌ی کلاس در مورد این شخصیت جواب بدهند.